

باز خوانی یک کودتای شهری ناکام

در تحلیل تحولات سیاسی- اجتماعی، نخستین خطا، ساده‌سازی پدیده‌های پیچیده است. تجربه‌های جهانی نشان می‌دهد همه بحران‌های خیابانی را نمی‌توان ذیل عنوان «اعتراض مدنی» یا «تازباطی اجتماعی» توضیح داد، همان‌طور که همه تغییرات سیاسی نیز ازآما با کودتای کلاسیک و حضور ارتش و تانک همراه نیست. در ادبیات علوم سیاسی، مفهومی به نام «کودتای شهری» شکل گرفته است که دقیقاً برای توضیح چنین وضعیت‌هایی به کار می‌رود.

کودتای شهری به الگویی از برهم‌زدن نظم سیاسی گفته می‌شود که در آن، به جای تسخیر رسمی قدرت از بالا، تلاش می‌شود از پایین و از طریق خیابان، کار کدهای حاکمیت مختل شود، نه با ارتش کلاسیک، بلکه با شبکه‌ای از هسته‌های آشوب، گروه‌های مسلح نامنظم، عملیات روانی- رسانه‌ای و فشار همزمان خارجی. هدف اصلی در این الگو، نه اصلاح سیاست مشخص، بلکه فلج‌سازی دولت و تحمیل تغییر موازنه قدرت است. با این تعریف، می‌توان وقایع دی‌ماه۱۴۰۴ را نه با پیش‌فرض سیاسی، بلکه با معیارهای تحلیلی بررسی کرد. نخستین نشانه، تفکیک آشکار میان بدنه معترض و گروه‌های خوشنوتوز سازمان‌یافته بود. در آن مقطع، انکار نازباطی‌های واقعی بخشی از جامعه، نه ممکن است و نه مفید، اما همزمان، شواهد میدانی نشان می‌داد هدایت صحنه به تدریج از مطالبات اجتماعی فاصله گرفته و به دست گروه‌هایی افتاده است که زبان آنها نه اعتراض مدنی، بلکه تخریب، آتش‌افروزی و استفاده از سلاح سرد و گرم بود. این شفاف، یکی از نشانه‌های کلاسیک روده‌شدن اعتراض از طریق پروژهای سازمان‌یافته است. دومین شاخص، سازمان‌یافتگی خشونت بود. خشونت‌های خرد، تصادفی، پراکنده یا واکنشی صرف نبودند.

الگوی تکرار شونده حمله به مراکز خاص، زیرساخت‌های خدماتی، نمادهای نظم عمومی و تلاش برای ناامن‌سازی محله‌محور نشان می‌داد هدف، صرفاً دیده‌شدن یا شنیده‌شدن صدای نیست، بلکه ایجاد «بی‌دولتی موضعی» و فرسایش اقتدار حاکمیت در فضای شهری است. این دقیقاً همان نقطه‌ای است که اعتراض، ماهیت خود را تغییر می‌دهد. سوم، نقش هسته‌های کوچک و چابک خوشنوتوز بود؛ گروه‌هایی که در دل تجمعات حرکت می‌کردند، عملیات مشخص انجام می‌دادند و به سرعت صحنه را ترک می‌کردند. این الگو، نه با کنش جمعی خودجوش، بلکه با منطق ملیشایی و سلولی قابل توضیح است؛ الگویی که در بسیاری از کودتاهای شهری معاصر مشاهده شده است. چهارم، هم‌زمانی کم‌سابقه خیابان و رسانه را نمی‌توان نادیده گرفت. در دی‌ماه۱۴۰۴، تقریباً هر حادثه میدانی، پیش از تثبیت واقعیت آن، با روایت‌هایی در برخی رسانه‌های خارجی و شبکه‌های سازمان‌یافته مجازی منتشر می‌شد، روایت‌هایی که از پیش آماده بودند: «فروپاشی نزدیک است»، «کنترل از دست رفته»، «پایان نظام». این سطح از هماهنگی، محصول خشم لحظه‌ای یا کنش فردی نیست، بلکه نشانه وجود اتاق عملیات رسانه‌ای است که وظیفه آن، تکمیل پروژه خیابانی در سطح ادراک عمومی است. پنجمین نکته، سکوت معنادار چهره‌ها و رسانه‌های حامی اغتشاشات در برابر خشونت مسلحانه بود. یک پرسش ساده اما کلیدی برای هر مخاطب متصف وجود دارد: چرا تقریباً هیچ‌یک از این صدهای پرادها، تخریب سازمان‌یافته، حمله به مردم عادی یا استفاده از سلاح را صریح و بدون اما و اگر محکوم نکردند؟

در سیاست، سکوت در برابر خشونت، خود یک موضع است و این سکوت، عملاً به نفع پروژهای تمام‌شد که از دل اعتراض تغذیه می‌کرد اما هدفی فراتر از آن داشت. در نهایت، باید به هدف نهایی نگاه کرد. اگر مسئله، اصلاح سیاست، تغییر رویه یا پاسخ به مطالبات مشخص بود، مسیرهای چون گفت‌وگو، فشار مدنی یا پادار، سازو کارهای قانونی یا رقابت سیاسی معنا پیدا می‌کرد، اما وقتی تنهاا حق ترسیم‌شده، «سقوط»، «فروپاشی» و «بی‌ثباتی فراگیر» است، دیگر با منطق اصلاح‌طلبانه یا اعتراضی مواجه نیستیم، بلکه با پروژهای روبه‌رو هستیم که در علم سیاست، عنوانی تغذیه می‌کند اما به آن وفادار نیست. پذیرش همزمان دو واقعیت، شرط تحلیل منصفانه و عقلانی دی‌ماه۱۴۰۴ است: نخست آنکه بخشی از جامعه با انگیزه‌ها و مطالبات واقعی به میدان آمد و اصل اعتراض، به‌عنوان یکی از اشکال کنش سیاسی- اجتماعی، حقی قابل انکار نیست و دوم آنکه این اعتراض، در ادامه مسیر خود، به‌تدریج از بسوی شبکه‌ای سازمان‌یافته، خشونت‌محور و هدفمند روده شد که منطق عملش نه اصلاح، بلکه بی‌ثبات‌سازی و تغییر موازنه قدرت از طریق خیابان بود. نام‌گذاری دقیق این وضعیت به عنوان «کودتای شهری» نه تلاشی برای نفی ریشه‌های نازباطی است و نه توجیه کوتاهی‌های صورت گرفته، بلکه تلاشی است برای تمایزگذاری میان اعتراض اجتماعی و پروژه براندازانه‌ای که از اعتراض تغذیه می‌کند اما به آن وفادار نیست.

فهم این تمایز، پیش‌شرط هر سیاستگذاری عقلانی، هر گفت‌وگوی ملی و هر تلاش جدی برای پیش‌گیری از تکرار بحران‌های مشابه است. انکار ماهیت کودتایی این الگو، عملاً به ساده‌سازی خطر ناک واقعیت می‌انجامد؛ ساده‌سازی‌ای که نه امنیت جامعه را تأمین می‌کند، نه امکان اصلاح را افزایش می‌دهد و نه در نهایت، به نفع مردم و آینده کشور تمام می‌شود.

خطیب موقت جمعه تهران:

اکنون زمان قدرشناسی عملی از مردم است

خطیب موقت جمعه تهران با بیان اینکه معجزه حضور مردم در ۲۲بهمن همه‌عالم را به‌شگفتی واداشت، گفت: چشم همه‌مظلومان به مردم ایران بود تا ببینند ملت ایران می‌شکند یا می‌ایستد، این ملت، بهترین ملت دنیا و شایسته‌هر گونه تقدیر و تعظیم است. به گزارش ایرنا، حجت‌الاسلام محمدجواد حاج‌علی‌اکبری در خطبه‌های نماز عبادی- سیاسی جمعه این هفته تهران افزود: با وجود سوءتدبیرها بود، ملت دست دشمن را به خوبی خواند و همان مردمی که در ۲۲دی‌ماه بر اق بصیرت و ولندای همت ایستادند و حماسه خلق کردند، یک‌ماه بعد به لطف خدای متعال نمای شفاف از ایران قوی و بازدارندگی حقیقی را به‌چهارپای نشان دادند.

خطیب نماز جمعه تهران تصریح کرد: دشمنان در برابر این عظمت ملت، نه قدرتی برای یک حمله چاره‌ساز دارند و نه غرضه این را دارند که دست را بالا ببرند و عقب بنشینند. حاج‌علی‌اکبری با بیان اینکه دشمنان به این مسئله امید بست‌اند که در بحث مذاکرات اندکی برای آنها فرصت ایجاد شود، اظهار داشت: مااز هر مرحله دفاع عبور و به مرحله تهاجم وارد شده‌ایم. تا دیروز دشمن تحریم می‌کرد و ما مقاومت و پدافند می‌کردیم، اما امروز به لطف خدای متعال، ابتکار عمل در دست ملت ایران است. تهاجم اراده‌ها علیه امپراتور رسانه‌ای و نظامی استیکار آغاز شده و قلب تپنده این نبرد، به لطف خدای متعال، مردم هستند. وی افزود: پیکر امام اید یکدی دیگر از مسائلی بود که در این صحنه تجلی کرد. این حضور میلیونی نشان دهن رابطه مردم ما با رهبرشان، یک رابطه قرار دادی و معنارف نیست، بلکه این رابطه قدسی و ایمانی است و به جان ملت ایران بسته است، یک امر فطری و الهی است. خطیب نماز جمعه تهران تصریح کرد: به لطف خدای متعال، آنچه اکنون باید اتفاق بیفتد، قدرشناسی عملی از مردم است. به خودم و همه مسئولان در همه قوا و در همه عرصه‌های مدیریتی کشور، از صدر تا عمق کشور عرض می‌کنم که با ایمان، وحدت، روحیه جهادی و با به‌کارگیری همه ظرفیت‌های مادی، معنوی، قانونی، با برنامه و استفاده از تجربه‌های متراکم مدیریتی کشور و نیز با کنار گذاشتن احوال شخصی و جناحی و در نهایت با مسد اذ ولی‌الله‌الاعظم و همراهی آن حضرت عازم خدمتگزاری متفاوت به این ملت عزیز، بزرگ و بزرگوار بشوید.

یکی از مهم‌ترین عناصر راهبردی جمهوری اسلامی ایران، هماهنگی و انضباطی میدان و دیپلماسی برای پیشبرد اهداف کشور و مواجهه با دشمنان در عرصه بین‌الملل است. در واقع، دیپلماسی بدون پشتوانه قدرت نظامی، بی‌اعتبار و فاقد نفوذ کلام است و میدان نظامی هم در کنار تقویت قوای جنگاوری نیاز به درایت و دیپلماسی دارد. این مهم بعد از جنگ ۱۲ روزه و شبهه‌کودتای تروریستی دی‌ماه، اهمیت بیشتری یافته است و الزامات عمیق‌تری می‌طلبد. گرچه در برخی دولت‌های گذشته، این دو گاهی مغایر باهم و کلید موفقیت در دیپلماسی گذر از میدان انگاشته و تلاش می‌شد برای جلب نظر دولت‌های غربی، تمایلات آنها در مقابل‌ه با تقویت قدرت دفاعی و رزمی ملاحظه شود، اما دو جنگ اخیر نشان داد نه تنها میدان، لازمه دیپلماسی است که فراتر از آن گاهی به عنوان ارکان مهم قدرت جمهوری اسلامی می‌تواند در بازدارندگی و حفاظت از کشور اقدام کند، از این رو اکنون ضرورت هم‌افزایی و هماهنگی بین میدان و دیپلماسی اهمیت یافته است و عرصه‌های مختلف از آن بهره می‌برند.

در برخی دولت‌های گذشته مانند دولت‌های

یازدهم و دوازدهم، برخی از اعضای دولت و تیم مذاکرات، اقتدار موشکی را مزاحم و مانع دیپلماسی می‌دانستند و در برابر صد رسانه‌های غربی به صراحت از آن سخن می‌گفتند، از آن جهت که بتوانند استاندارد‌های غربی را در مذاکرات خود بگنجانند و نگرانی‌های آنها را رفع کنند اما وقتی برجام، بزرگ‌ترین و تنها دستاورد سیاست خارجی آنها در همان اوان ناکارآمدی و خسارت‌باربودن خود را با بعدهدی طرف غربی نمایان ساخت، بر همگان این ایده مطرح شد که باید به‌جای جنگ، زیر پا گذاشتن تعهدات از سوی غربی‌ها و خروج امریکا از آن به دلیل تلافی‌بودن محدودیت‌هایش علیه ایران، ماهیت واقعی و ضدایرانی غربی‌ها را در مذاکرات روشن کرد و میانه مذاکرات کنونی، عراقچی با برای مذاکره نبود بلکه سبب حمایت و پشتیبانی دیپلماسی برای تحقق برجام بوده است.

در حال حاضر، تجربه عمیق برجام به همراه شرایط تهدیدات، جنگ ۱۲ روزه و جنگ تروریستی خیابانی، سبب شده است هماهنگی بین میدان و دیپلماسی در سیاستگذاری به طور دقیق‌تری پیگیری شود. در همین رابطه مسئولان نیز برای تأمین منافع ملی کشور در عرصه‌های مختلف از آن بهره می‌برند.

در برخی دولت‌های گذشته مانند دولت‌های

اقتدار در عرصه دیپلماسی حاضر شویم و منافع تیم مذاکرات، اقتدار موشکی را مزاحم و مانع دیپلماسی می‌دانستند و در برابر صد رسانه‌های غربی به صراحت از آن سخن می‌گفتند، از آن جهت که بتوانند استاندارد‌های غربی را در مذاکرات خود بگنجانند و نگرانی‌های آنها را رفع کنند اما وقتی برجام، بزرگ‌ترین و تنها دستاورد سیاست خارجی آنها در همان اوان ناکارآمدی و خسارت‌باربودن خود را با بعدهدی طرف غربی نمایان ساخت، بر همگان این ایده مطرح شد که باید به‌جای جنگ، زیر پا گذاشتن تعهدات از سوی غربی‌ها و خروج امریکا از آن به دلیل تلافی‌بودن محدودیت‌هایش علیه ایران، ماهیت واقعی و ضدایرانی غربی‌ها را در مذاکرات روشن کرد و میانه مذاکرات کنونی، عراقچی با تأکید بر قرار داشتن دیپلماسی و میدان در امتداد یکدیگر تصریح کرد: «اگر ما می‌توانیم با

دوربرد علیه اسرائیل، به نسبت سال ۲۰۰۹

دشمن را داشته باشد.

یک ژنرال صهیونیست با نام «اسحاق بریک» در گفت‌وگو با یکی از شبکه‌های تلویزیونی رژیم صهیونیستی در خصوص قدرت موشکی می‌گوید: «مانند گذشته نمی‌توان برنامه هسته‌ای ایران را تهدید کرد، قدرت ایران روزی به توانمندی این کشور در حمله با موشک‌های دوربرد علیه اسرائیل، به نسبت سال ۲۰۰۹ دست‌یابی خواهد کرد.»

آن شکل‌گیری ساواک بود؛ نهادی که طی ۲۲ سال فعالیت خود، به عنوان یکی از مخوف‌ترین سازمان‌های امنیتی شناخته شد. سلیمانی با اشاره به اسناد منتشرشده، مدعی شد که تشکیل، تجهیز، آموزش و هدایت ساواک عمدتاً از بسوی سازمان سیا انجام می‌شد و مأموران آن از طریق اعزام مستشاران امریکایی به ایران یا آموزش نیروهای ساواک در خاک امریکا، مهارت‌های سرکوب، تعقیب و مراقبت، نفوذ، جاسوسی و روش‌های گروه‌های جنلی و روش‌های بازجویی را فرما می‌گرفتند. وی این اقدامات را مغایر با اصول عدم مداخله، قواعد حقوق بشر و قطعنامه‌های سازمان ملل دانست.

■ **روایت شکنجه‌ها و پیامدهای پایدار آن**

در ادامه جلسه، تعدادی از خواهان‌ها به بیان مشاهدات و تجربیات خود پرداختند. علیرضا درویش‌زاده با تشریح سه مرحله بازداشت خود در دهه ۱۳۵۰، از انتقال به کمپته مشترک ضدخرابکاری و شکنجه‌های گسترده جسمی و روانی سخن گفت. او به ضرب و شتم و کابل، بستن به تخت فلزی، راه رفتن اجباری روی

پاهای متورم، شوک الکتریکی، سوزاندن با شمع و شکستن انگشتان اشاره کرد و دستگاه موسوم به «پولو» را از ابزارهای رایج شکنجه



چگونه به اوج هماهنگی میدان و دیپلماسی رسیدیم؟

صداها برابر شده است. ایران امروزه قادر است یک حمله راهبردی و ویرانگر علیه اسرائیل انجام دهد، به طوری که زیرساخت‌ها و تأسیسات حیاتی اسرائیل را نابود کند.»

بر همین اساس، ایران در عین مذاکرات تلاش می‌کند توانمندی‌های نظامی و به ویژه موشکی خود را به معرض نمایش بگذارد. رونمایی از شهر موشکی جدید به همراه نمایش دوباره موشک قدرتمند خرمشهر ۴ حاوی پیام هشدار به تحرکات امریکا در منطقه در خلال مذاکرات بود. ایران اکنون در برابر صغیندی جدید نلوهایی امریکایی در منطقه، متقابلاً آرایش جدیدی از توانایی و دارایی‌های رزمی و جنگی را متوازن با تهدیدات امریکا به نمایش می‌گذارد و به طور صریح در مورد هر گونه اقدام و ماجراجویی هشدار می‌دهد؛ اقدامی که می‌تواند همراه با اثبات قدرت بازدارندگی بالا و افزایش آمادگی دفاعی، کمک شایانی به میز مذاکره و دست تیم مذاکره‌کننده ایرانی را بر کند، زیرا این اخطار جدی گرفته شده است که در صورت بروز هرگونه رفتار تهاجمی از سوی طرف مقابل، ایران با رگ‌های برنده نظامی را رو خواهد کرد.

از سوی دیگر، اگرچه مقامات رسمی کشورمان بارها مذاکرات کنونی با امریکا را صرفاً در چارچوب فعالیت‌هاستهای عنوان کرده‌اند، اما زمه‌هایی در مورد ورود بحث موشکی به مذاکرات وجود دارد که پاسخ آن از هم اکنون روشن است، هیچ دولتی توانمندی دفاعی خود را به مذاکره ایران در مذاکره مبنی بر اینکه موضوع موشکی امریکا را به طور ضدنفیض بارها اعلام کرده است مذاکره با ایران شامل مسائل موشکی و آنچه آنها سلاح اتمی می‌نامند، خواهد بود، بنابراین فارغ از اظهارات قاطعانه مقامات مسئول ایران در مذاکره مبنی بر اینکه موضوع موشکی هیچ جایگاهی در گفت‌وگوهای کنونی ندارد، ایران اقدامات مهارکننده‌ای هم در میدان برای حمایت از مواضع مسئولان سیاست خارجه انجام می‌دهد. رونمایی از موشک خرمشهر ۴ حاوی پیام خاص بود که هر چند ایران یای میز مذاکره حاضر شده است، اما خراس نیست از قدرت نظامی خود چشم‌پوشی کند و راه ورود به مسائل موشکی از طریق مذاکرات باطل و نشدنی خواهد بود، البته باید توجه داشت که دیپلماسی فقط در چارچوب مذاکرات تعریف نمی‌شود و حمایت میدان از دیپلماسی در تمام جنبه‌های سیاست خارجی قابل استفاده است. در روابط با کشورهای منطقه و فرانسه‌ای و هر کنش فعالانه‌ای در تحولات و رویدادهای بین‌المللی، ردهای میدان دیده می‌شود، زیرا میدان نقش تعیین‌کننده‌ای در قدرت ایفا کرد و دیپلماسی با تکیه بر آن می‌تواند خود را در مناسبات جهانی به ظهور برساند.

در دادگاه حقوقی ویژه رسیدگی به دعوای بین‌الملل برگزار شد

بررسی مسئولیت دولت امریکا در تأسیس و هدایت ساواک

اسناد طبقه‌بندی‌شده کشف‌شده از بایگانی ساواک، حاکی از ارتباط مستقیم و مستمر میان سیا و ساواک است. از جمله این اسناد می‌توان به مذاکرات حضوری رئیس ساواک با نماینده سیا در سال ۱۳۴۹، گزارش دوره‌ای آموزشی مأموران ساواک در امریکا، ارائه فهرست فعالان سیاسی امکانات درمانی سخن گفت و اعلام کرد که پس از گذشت ۲۷ سال، همچنان از عوارض جسمی و عصبی آن دوران رنج می‌برد. همچنین مصومه دبیحی خیرآبادی، همسر شهید سیدعباس موسوی قوچانی، با بیان اینکه همسرش بارها بازداشت و شکنجه شد و نهایتاً به دلیل عوارض ناشی از همان شکنجه‌ها به شهادت رسید، از استمرار فشارها و بازداشت‌های مکرر سخن گفت. به گفته وی، آثار شکنجه تا سال‌ها بر بدن همسرش باقی بود.

■ **استناد به اسناد تاریخی و گزارش‌های بین‌المللی**

رضا حضرتی، دیگر وکیل پرونده، با اشاره به منابع تاریخی و اسناد به‌دست‌آمده پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نقش مستقیم دولت امریکا و نهادهایی چون سازمان سیا و وزارت خارجه این کشور را در مداخلات سیاسی و امنیتی ایران از زمان جنگ جهانی دوم تا انقلاب اسلامی تشریح کرد. وی مدعی شد که

مخبر

۳۰هزار معلم بی‌پایه دادند

لشکر ۲۶میلیونی ایرانیان دشمن را مایوس کرد

بیش از ۳۰هزار معلم در بی‌پایه‌ای با تأکید بر جایگاه رهبری انقلاب و نقش سپاه پاسداران، حضور میلیونی مردم در راهپیمایی ۲۲بهمن را نشانه اقتدار و اراده ملی دانستند.

به گزارش فارس، در این بی‌پایه آمده است: بیش از ۳۰هزار معلم در بی‌پایه‌ای با تأکید بر اینکه رهبر انقلاب «چان زنده ملت ایران» است و حضور میلیونی و بیش از ۲۶میلیونی مردم در راهپیمایی ۲۲بهمن را نشانه اراده و اقتدار ملی دانستند، اعلام کردند: سپاه پاسداران نماد عزت و استقلال ایران است و ما معلمان با لبیک به فرمان رهبری، در میدان آگاهی‌بخشی ایستاده‌ایم و دشمنان باید با احترام درباره ملت ایران سخن بگویند.

در ادامه بی‌پایه آمده است: آنچه این روزها در رفتار و گفتار سرمدمداران ایالات متحده امریکا دیده و شنیده می‌شود، برای اهل نظر امر تازه‌ای نیست و سال‌هاست در اشکال گوناگون تکرار می‌شود. بدیهی است که مسئله استقلال، عزت و هویت ملت ایران در دوره جمهوری اسلامی، دیگر نه قابل معامله است و نه قابل حذف. عصبانیت غرب وحشی، نه از موضع قدرت، بلکه از سر ضعف و استیصال است، و گر نه چه نیازی به تهدید؟!

برای مردم عزیز ما، رهبر انقلاب اسلامی صرفاً یک جایگاه رسمی یا حتی فقهی نیست، بلکه نماد اقتداری مظلومانه است که از دل تاریخ محرومیت‌ها، تحقیرها و زخم‌های انباشته دو قرن گذشته برخاسته و در دفاع از استقلال، دین و آزادی معنا یافته است؛ اقتداری که با زنج، ایثار، خون و ایمان نوام پیدا کرده و با حوادث زودگذر تاریخ تضعیف نمی‌شود و با زبن تهدید، سست نخواهد شد.

برای مردم عزیز ایران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تنها یک نیروی نظامی دفاع از مرزهای جغرافیایی کشور نیست، بلکه سینه‌ای ستبر و زخمی در برابر تاریخ تلخ استعمار، استثمار و تعرض به شرف و عزت این ملت است؛ نهادی بر آمده از متن مردم که امنیت، استقلال و پیشرفت ایران اسلامی را پاسداری کرده است.

حضور میلیونی و کم‌نظیر مردم ایران در راهپیمایی ۲۲بهمن و مشارکت بیش از ۲۶میلیونی ملت در این حماسه بزرگ ملی، جلوه‌ای روشن از همین اراده تاریخی و وفاداری عمیق مردم به آرمان‌های انقلاب اسلامی است؛ اراده‌ای که پیام اقتدار و حجت و پایداری ملت ایران را به جهانپیانمخابره کرد و بار دیگر دشمنان را در محاسبات خود دچار خطا ساخت. ما این حضور پرشکوه را ازج می‌نهمیم و تأکید می‌کنیم آنان که درباره ایران و مردم ایران سخن می‌گویند، باید با احترام و ادبیتای در شأن این ملت بزرگ و بصیر بگویند.

ما معلمان ایران‌زمین، با افتخار و با صدایی برخاسته از عمق ایمان، اعلام می‌داریم که خامنه‌ای عزیز نه‌تنها رهبر و مقتدای ما، بلکه جان زنده ملت ایران است و لباس سبز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، لباس حیات مردم ایران اسلامی برای انتخاب تاریخی خود در مسیر استقلال، عزت و پیشرفت است.

بدیهی است که در این موقف تاریخی، این لباس، لباس ما معلمان نیست. ما با لبیک به فرمان رهبر معظم انقلاب اسلامی، در میدان آگاهی‌بخشی، تربیت نسل مومن و انقلابی و ایستادگی در برابر جنگ تر کبیبه دشمن، لطمه‌ای در قدرت و اراده‌ای که به تعبیر ایشان گونه که در طول این سال‌ها نشان داده‌ایم، دشمنان این ملت را بار دیگر مایوس خواهیم ساخت.

ایران‌شناسی

ستون فقرات قدرت ایران

پیام تلویزیونی رهبر انقلاب اسلامی در تقدیر و تشکر از حضور ملی مردم ایران در راهپیمایی ۲۲بهمن را باید تداوم همان منطق همیشگی ایشان دانست: منطقی که البته در پیام قبلی و دعوت مردم به حضور در سالروز پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲بهمن نیز مشهود بود؛ اینکه قدرت اصلی ایران، مردم ایرانند، اینکه قدرت یک کشور و جامعه بیش از آنکه به موشک و هواپیما و سایر ابزارهای سخت قدرت مرتبط باشد، به اراده و ایستادگی ملت‌ها مرتبط است. اگر این اراده و ایستادگی نباشد، از ابزار سخت قدرت نیز کاری ساخته نیست. اراده انسانی است که در ابزار فیزیکی مدیده می‌شود و قدرت سخت را نیز به حرکت درمی‌آورد.

«صدای ایران»، روزنامه اینترنتی رسانه KHAMENEI.IR در سرمقاله شماره ۲۳۶ خود نوشته است: حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در پیام تلویزیونی، ضمن سیاست‌گذاری از حرکت عظیم مردم ایران، آن را اقدامی باقیمت، ارزشمند و نمایش دوباره قدرت و پشتیبانی ملی در کشور توصیف کرد، قدرت و اراده‌ای که به تعبیر ایشان باعث مایوس شدن دشمن و اختلال در برنامه‌های ضدانسانی و ضدایرانی آنها می‌شود.

این نمایش قدرت نرم مردمی و ملی نه‌تنها مایه همبستگی و انسجام بیشتر خواهد شد، بلکه در برابر دشمن خارجی نیز یک صف واحد را به نمایش کشید. یک صف واحد و یک بنیان مرسوم که دستگاه محاسباتی دشمن به طمع‌افزاده از نیز تغییر خواهد داد؛ صفی واحد که ملت ایران در آن هویت و شخصیت ملی و مستقل خویش را به رخ دیگران کشیده است.

قوت و قدرت جاری در تجمعات و گردهمایی‌های اجتماعی انسان، صرفاًمجموع ریاضی توان انسان‌های حاضر در آن رویداد نیست، بلکه چیزی بیش از آن است. از این جهت، چنین گردهمایی‌هایی نه‌تنها قدرت را به رخ دشمن بیرونی می‌کشند، بلکه در افزایش قوای درونی یک ملت نیز در حکم یک تسهیل‌گر عمل می‌کند و توان و توشه آن ملت را به‌صورت تصاعدی افزایش می‌دهد.

این رویدادها را می‌توان نقطه جوشش و فوران دوباره قدرت ملی توصیف کرد. این فوران قدرت ملی است که راره را بر ورود و طمع بیگانه می‌پندد.

این فوران قدرت ملی است که اجنبی را مجبور به حساب‌و‌کتاب و هزینه‌هایی می‌کند که در صورت دست‌درازی، باید از جیب و حتی آبرو و شرف خودش بپردازد.

این فوران قدرت ملی است که اثبات می‌کند دفاع از استقلال کشور ایران و دفاع از استقلال ایران، همه ایرانیانی هستند که در یکی از حساس‌ترین دوره‌های تاریخ ایران معاصر- به‌خصوص پس از تجربه جنگ با دشمن خارجی و دفع فتنه عمال داخلی همان دشمنان خارجی- به‌تنها نسقم نمی‌ناورده، نترسیده و معرکه را رها نکرده‌اند، بلکه با غیرت و انگیزه بیشتر پای دفاع از شرافت و استقلال‌شان ایستاده‌اند. خروجی این وضعیت اگر افزایش تصاعدی قدرت ملی نیست، پس چیست؟!

خروجی این وضعیت اگر چنگ انداختن بر ذهن بیمار و متوهم بدخواهان ایران و به‌هم ریختن نقشه‌های آنها و به حساب‌و‌کتاب مجدد وادار کردن‌شان نیست، پس چیست؟!

این قدرت ملی است که می‌تواند پشتوانه دفاع از کشور شود و دست مدافعان ایران را در دفاع از منافع ملی کشور پر کند.

حالا در این منقط، عمق تشکر و سیاست‌گذاری رهبر انقلاب از مردم نیز بیشتر مشخص می‌شود: «من از همه ملت ایران تشکر می‌کنم و درود فراوان خودم را بر یکایک آن کسانی که در دیروز در این اجتماع عظیم

میلیونی کشور حضور داشتند، تقدیم می‌کنم.» ۱۳/۳/۱۴۰۴